

تازمترین جنایت هولناک مزدوران کثیف امریکالیسم که "شرافت و انسانیت را به سوگ نشاند و چهره صبح امریکاییان متناقض و منجراف را بیشتر ظاهر کرد" به قیمت جان بیش از ۸۰ نفر و مجروح شدن صدها تن از محرومترین مردم

رنج کشیده میهن ما تمام شد. با انفجار بمب مهیبی که روز جمعه در خیابان ناصرخسرو رخ داد، توده‌های میلیون‌ها مردم ما با گوشت و پوست خود، ددمش‌های این ابرجنایتکار تاریخ را لمس کردند و آثار عوی حیوانی و پلند آن را چشم دیدند و خشم و نفرت خود را بر این دهرسیرتان که دو جمعه پیش بیروت را و جمعه گذشته تهران را به خاک و خون کشیدند، فروریختند.

رفقای ما نیز ضمن ابراز نفرت انزجار عمیق خود از این جنایات ددمشانه شهادت قربانیان این فاجعه را به رهبر انقلاب، به همه مردم و به خانواده‌های داغدار تسلیت می‌گویند و در هر کجا که باشند خود را در رنج آنان سهیم می‌بینند.

انفجار تکان دهنده بمب در خیابان ناصرخسرو بار دیگر فرد فرد مردم ما را در برابر سئوالاتی قرار داد که در جستجوی پاسخ آن بودند، چنانکه رتقا شاهد بودند در کوچه، در خانه، در کارخانه، مزرعه و مدرسه و اداره در روزهای اخیر مردم از یکدیگر می‌پرسیدند و می‌خواهند بدانند:

۱- این جنایات هولناک کار چیست؟

۲- اهداف جنایتکاران کدامست؟

۳- راه مقابله ریشه‌های با این جنایات چیست؟

اکنون وظیفه ماست که با توجه بیشتر به عمق مسأله، بگوئیم پاسخ صحیح این سئوالات را بهایم و آن را وسیله برای همگان توضیح دهیم:

این جنایات هولناک کار چیست؟ فریاد بلند "مرگ بر امریکا" که هنوز در سراسر میهن انقلابی ناطنین انداز است، از آگاهی عمیق توده‌های مردم از عاملین اصلی این جنایت، یعنی دشمن بزرگ خلق ما، ابرجنایتکار تاریخ، امریکالیسم امریکا حکایت دارد. نمونه‌های این ددمش‌های با مردم محروم و مستضعف فقط و فقط در پرونده امریکالیسم امریکا و صهیونیست‌های اسرائیلی و همیالکی‌های آنان وجود داشته است. این‌گونه جنایات از طینتی جز طینت پلید امریکالیسم و صهیونیسم ساخته نیست. آنها که "انقلاب" دم و دست‌هاشان را درهم ریخته "آنها که از انقلاب زخم خورده‌اند آنها که از مردم انقلابی ما سبلی خورده‌اند یعنی جبهه متحد ضدانقلاب بسرگردگی امریکالیسم امریکا مسئول و مسبب این جنایت فجیع‌اند.

اسامع عینسی و همه سئولان طراز اول جمهوری اسلامی ایران همه و همه بار دیگر تاکید کرده‌اند عاملین اصلی این جنایات شیطان بزرگ امریکاست و اوست که به دست عمال خود چنین فجایعی می‌آفریند.

رتقا در توضیح عام‌ترین این جنایات باید اولاً روی خصلت ددمشانه و ضدبشری امریکالیسم تکیه کند، ثانیاً تاکید کند که ضدانقلاب جبهه متحدی است متشکل از نیروهای متعددی که همگی با هدف براندازی انقلاب و نابودی خط مردمی اسامع و انتقام‌جویی از مردم با یکدیگر همکاری آشکار و پنهان دارند. پول و اسلحه و امکانات و طرح و نقشه و القابات و تحرکات و اجرت همه این جنایات‌دهنده و همه از یک منبع، یعنی از سوی امریکالیسم امریکا و پایگاه داخلی و خارجی آن سامان و سازمان داده می‌شود.

کسولان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان عمدتاً با نگاه داخلی امریالیسم و کمین‌توزترین دشمن طبقات محروم و مستضعف و عمدتاً ترین منبع تامین امکاناته پرداخت اجرت و اجرای همه این جنایات در داخل کشور هستند بدون حمایت تروریست‌های اقتصادی، تروریسم سیاسی، در این جو جامعه انقلابی با بهیچوجه قادر به دوام و بقا نیست و نخواهد بود.

در یک کلام باید گفت عاملین این جنایات، فعال امریالیسم امریکا هستند که با همکاری یکدیگر و با کمک و پول و حمایت مستقیم و همجانانه کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان دست به چنین جنایاتی می‌زنند.

انگیزه و هدف جنایتکاران کدام است؟ اولین نکته‌ای که در اینجا باید بدان توجه کنیم آن است که به آن اندازه که مردم، عاملین اصلی این جنایات را می‌شناسند، اهداف جنایتکاران برای آنها شناخته شده نیست و در این مرحله وظیفه مهمی بر عهده ما و همه نیروهای انقلابی است. این مقاله امروز برای اکثریت مردم، کامیابش روشن است که یکی از انگیزه‌های تروریست‌ها از کشتار وحشیانه مردم زحمتکش، انتقام‌جویی از توده‌هایی است که به قول امسسام ولینسنت این انقلابند "و همان آنها بودند که بهاخاستند دستگاه ظلم مسم شاهمی و سلطه امریکا را برانداختند. با این هدف اصلی و نهایی ضدانقلاب از دست‌زدن به این جنایات صرفاً انتقام‌جویی کور نیست. اهم اهداف اساسی ضدانقلاب، از تشدید تروریسم که بسیار ریشه‌دارتر از اینهاست عبارتند از:

۱- اهداف توجه مردم از تروریسم اقتصادی که منشأ و منبع اصلی تروریسم سیاسی است و ایجاد مانع در راه انجام اصلاحات به‌صورتی از طریق ایجاد محیط بی‌آرامی، ناامنی و جستجوی راههایی برای ادامه چپاولگری کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان.

۲- ایجاد محیط رعب و وحشت و اضطراب، اختلال در زندگی مردم و خارج کردن توده‌ها از صحنه مبارزه، شکستن اعتماد مردم نسبت به توانایی خط‌امیل امام و آینده انقلاب و نلسود کردن آنها از استقرار امنیت به منظور تضعیف پیشروان توده‌های انقلاب.

۳- تشدید جو خشونت و میداندار کردن عناصر ماجراجو، مستعانون، بی‌مسئولیت و خودکام و خارج کردن مهار امور از دست نیروهای نوراندیش و میشلو کیک به قرار گرفتن مهار امور به دست جریان‌هایی که منتظر فرصت‌اند که به بهانه وجود تروریسم، تروریسم بی‌قانونی را اجازه دهند. دوست و دشمن را در یک ردیف قرار دهند، تفریق‌کنی را دامن زنند و حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم را لگدمال کنند.

این نکته امروز بر کسی پوشیده نیست که در تمام نهاد‌های حاکم از شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی گرفته تا کمیته‌ها و سپاه و ادارات، به‌راخون اساسی‌ترین مسائل انقلاب نعتتاً وحدت‌نظر وجود ندارد. بلکه درست برعکس خط‌ضد امریالیستی و مردمی امام در مقابل خطی قرار دارد که مانع پیشرفت انقلاب است و می‌کوشد کشور را به راه سرمایه‌داری بکشد و بسبب‌گذاری در این میان حربه کثیفی است در دست ضدانقلاب که با کمک آن می‌کوشد جلوی براندازی بزرگ‌مالکی و کلان سرمایه‌داری را بگیرد. مردم را از صحنه براند و محیط تروری و رهاب، عدم امنیت را "شر انقلاب"، خط‌ضد امریالیستی و مردمی ام را سبب اصلی وضع موجود وانمود یازد. در این بصحنه روبرویی خط‌ها، بسبب‌گذاری و تروری نیز طبق یک نقشه کاملاً حساب‌شده، تروری امریالیسم امریکا به کمک جریان مخالف راستگرا شتافته است که مواضع و بهیچ‌وقت عوقی اصلاحات بنیادین، در پیش‌بازدن به قانون اساسی و مایوس کردن توده‌ها و خارج کردن آنها از صحنه مبارزه تقویت کند.

بهترین ترتیب بسبب‌گذاری‌ها و تروری‌های اخیر بهیچوجه تروریسم کور نیست، بلکه تروریسم بی‌قانونی است که اهداف خود را کاملاً حساب‌شده برمی‌گزیند و تحقق آن را بهیچ‌گونه تعصب می‌کند.

راه مقابله رضاعی با این جنایات چیست؟ گرچه از آنچه در بالا گفتیم بروشنی راه درهم شکستن تروریسم را می‌توان تشخیص داد. با این همه اشارات مشعرتری به این ساله ضروری است.

واقعیت این است که محافل مهمی مدت‌هاست که اینطور وانمود می‌کنند که یگانه راه ریشه‌کن کردن تروریسم تشدید خشونت در دادگاه‌های انقلاب و افزایش تعداد احکام اعدام است. این محافل در یک‌سال‌ونیم گذشته همین خط‌را وسیله تبلیغ و دنبال کرده‌اند. آنها در همین حال مدعی‌اند چون تروریسم از رعایت آزادی‌های قانونی بهره‌برداری می‌کند، بنابراین نباید پای‌بندی به قانون را اصل قرار داد. در کنار این سیاست‌ها شاهد بودیم که پیروان و پشتیبانان راستین خط امام افشای ماهیت و عملکرد تروریست‌ها، جدا کردن آنها از فریب‌خورندگان و اعمال قاطعیت در مقابل جنایتکاران حرفه‌ای نظیر قطب‌زاده‌ها را به‌عنوان یکی از مهمترین راه‌های مقابله با تروریسم مطرح کرده‌اند. اینان بدرستی تاکید دارند که برای متفرد کردن و به شکست کفایت‌دن تروریسم، روشنگری و ارشاد‌نقش برجسته و موثری دارد.

انضباط عیب در ناصر خسرو که همزمان با برنامه میزگرد گروه‌ها در سیما جمهوری اسلامی اتفاق افتاد، بار دیگر دوگرایش متضاد را در مقابل هم قرار داد و عرصه روبرویی‌ها به تلویزیون و مطبوعات کشیده شد. سرمقاله نویسن روزنامه جمهوری اسلامی در دو سرمقاله متوالی روزهای شنبه و یکشنبه با جمله شدید به "مسئولان سیما جمهوری اسلامی بخش برنامه میزگرد گروه‌ها را به باد انتقاد گرفته و می‌پرسد تجربه تا کی" و توصیه می‌کند بجای این کار می‌باید دادگاه‌ها از خود قاطعیت بیشتر نشان دهند.

در این رابطه تذکر چند نکته ضروری است. اولاً شواهد موجود حاکی است تصمیم سپاه پاسداران به برگزاری میزگرد گروه‌ها با انگیزه و نیت افشای انطباقی خط گروه‌ها با خط امریکا در ایران بوده و در میزگرد نیز این جهت‌گیری در مجموع خود حفظ شده است. ثانیاً، این حقیقت آشکاری است که خطی که از ضبط و پخش این نوع میزگردها حمایت می‌کند، قدرت انقلاب را در شکستن و افشای ایدئولوژیک - سیاسی ضدانقلاب می‌بیند و به آن باور دارد و می‌خواهد با نمایش این قدرت انقلاب مانع از آن شود که ضدانقلاب تحت پوشش "چپ" و "آزادبخواهی" بخشی از مردم را فریب دهد. ثالثاً این خط درک می‌کند که دشمن می‌خواهد، بجای افشای خط امریکایی گروه‌ها، آنها به عنوان گروه‌های "چپ" و "ونه" "چپ امریکایی" (به مردم معرفی شوند و با همین عنوان نیز مورد حمله قرار گیرند و از این طریق امریکا و مجالش فرصت پیدا کند که چهره پنهان کند.

روشنگری و توضیح البته گامی مثبت است اطلاع مردم از اعتراف سران گروه‌ها به ورشکستگی خط مشی ضدانقلابی خود، اعتراف آنان به حقانیت انقلاب البته مثبت و مفید است. منحصر کردن مقابله تروریسم به تشدید مجازات و اعدام‌های بیشتر، حسن انتقام‌جویی و کینه کور را در میان عوامل فریب‌خورده دامن می‌زند. بر قفا می‌دانند که سازمان ما از همان ابتدا (تابستان

پارمال (هشدار داده است که دست‌هایی در کار است که نگذارد عوامل فریب‌خورده گروه‌ها بیدار شوند . امروز نیز باید بار دیگر تاکید کرد که راه مقابله ریشه‌های با این گونه جنایات ، چه به صورت ترور فردی باشد چه به صورت بمب‌گذاری ، نه تنها رها کردن قانون و رواج خودکامگی و پایمال کردن آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی نیست ، بلکه چنین گزاشی خود یکی از منابع تغذیه تروریسم بوده و هست . پیمودن راه تفرقه آب به آسیاب تروریسم می‌ریزد . برعکس پیمودن راه اتحاد و تشکیل جنبه متحد خلق فریب‌خوردگان را بیدار و تروریسم فردی و جمعی را مهار می‌کند .

ما هزاره تاکید کرده‌ایم که تروریسم یکی از تاکتیک‌های امپریالیسم و عمال داخلی و خارجی آنهاست و پشتوانه اجتماعی آن بزرگ‌مالکی و کلان سرمایه‌داری است . تروریسم سیاسی ریشه در تروریسم اقتصادی دارد و برای ریشه‌کن کردن آن باید تروریسم اقتصادی را ریشه‌کن کرد . باید پایگاه اجتماعی تروریسم یعنی بزرگ‌مالکی و کلان سرمایه‌داری را قاطعانه بوانداخت . آنها با تشدید تروریسم می‌خواهند نگذارند اصلاحات بنیادین ریشه آنها را بکنند . آنها با این حربه به کمک جریان مخالف راستگرا آمده‌اند . و از این طریق می‌خواهند به این جریان کمک کنند که خط امام را عقب برانند ، مهار امور را بدست گیرند . اصلاحات بنیادین را صوق گذارند . و راه سرمایه‌داری را به کشور تحمیل کنند برای همه ما مسلم است که اگر چنین شود چون دستگاه دولتی را به ماشین بزرگ سرکوب و کشتار تودعه‌ها تبدیل می‌کنند دیگر نیازی به این گونه بمب‌گذاری‌های دزدانه نخواهند داشت باید با طرد قاطعانه جریان مخالف راستگرای طرفدار سرمایه‌داری ، گام‌های قطعی را برای نابودی کلان سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی ، و خشکانیدن ریشه طبقاتی تروریسم برداشت . برداشتن این گام‌ها در عین حال چنان پشتوانه تودملی انقلاب را نیرومند می‌سازد که ضدانقلاب در هر لباسی که باشد نمی‌تواند هیچ غلطی بکند .

نگات مثبت لایحه تشکیل وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مصوبه مجلس شورای اسلامی، که می‌توانست در صورت اجرای درست آن در امر گسترش بهداشت و ارائه خدمات پزشکی به سود مردم محروم و مستضعف، راهگشا باشد با اکثریت آراء شورای نگهبان، باین قانون اساسی شناخته شد و از نظر شرعی به تأیید اکثریت آقایان فقها نرسید.

از حیطه اعلام شد " بند ه - ماده یک که تولید و تهیه و تدارک و توزیع خدمات دارویی را بعهده وزارت مزبور میگذارد اطلاق آن از جهت شمول به موسسات خصوصی موجود از نظر شرعی به تأیید اکثریت آقایان فقها نرسید. همچنین ماده ۱۲ که هرگونه فعالیت پزشکی کادرهای پزشکی را در وزارت درمان و بهداشت متمرکز می‌نماید از نظر شرعی به تأیید اکثریت آقایان فقها نرسید.

و " ماده ۱۳ که تعیین ضوابط اجازه و تأسیس و توسعه و انتقال موسسات پزشکی را در تمام کشور به عهده آئیننامه می‌گذارد " به نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان باین قانون اساسی شناخته شد.

مخالفت اکثریت شورای نگهبان با کوشش دولت برای تحت نظارت درآوردن قسمتی از امکانات درمانی و پزشکی حایمه، که برای پاسخگویی به بخش بسیار کوچکی از نیازهای پزشکی و درمانی " مناطق محروم " کشور صورت می‌گیرد چیزی جز صاحبگذاران بر ادامه محرومیت و تودمهای محروم مردم از خدمات پزشکی و دفاع از شعبش آشکاری که در این زمینه وجود دارد، نیست. این مخالفت در عمل به معنی آن است که دست کم، آنچنانکه روزنامه کیهان آمار می‌دهد، فقدان پزشک در ۱۹ شهرستان کشور همچنان ادامه باید و تقریباً تمامی روستاهای کشور، با جمعیتی بالغ بر دهها میلیون نفر که بخور از همه امکانات پزشکی و درمانی اند، هر روز شاهد مرگ و میر کودکان، زنان، پیران و جوانانی باشد که بدلیل فقدان استنادی ترین خدمات درمانی و پزشکی، بسیار ساده و آسان می‌میرند !!

" بند ه - ماده یک که تولید و تهیه و تدارک و توزیع خدمات دارویی را به عهده وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی می‌گذارد " از نظر اکثریت آقایان فقهای شورای نگهبان به دلیل " اطلاق آن از جهت شمول به موسسات خصوصی موجود " مخالف شرع " اعلام شد. این " موسسات خصوصی موجود همان صنایعی است که سخنگویان راستین خط امام آنها را " جنایتکارترین تروریستهای اقتصادی " نام سپاه‌مانند که " حتی به محرومین دم مرگ هم رحم نمی‌کنند " ستون اخبار شهرستان‌های روزنامه‌های رسمی کشور، هر هفته نمونه‌های متعددی از خاشاک‌ترین نوع احتکار، که این ماده درصدد مقابله با آن بود، منتشر می‌سازند. گزارشگر روزنامه اطلاعات در همین هفته از زابل گزارش می‌دهد که " در یک مورد از یک منزل مشکوک در زابل تعداد ۱۲ هزار آمپول و ۶۵۵۰ عدد سرنگ و مقداری دارو " کشف شده است. بدینی که در یک منطقه دورافتاده‌ای مثل زابل، " موسسات خصوصی موجود " اینگونه " خاشاک‌ترین نوع احتکار " را به نمایش می‌گذارند، دیگر حساب شهرهای بزرگ کشور به‌ویژه تهران اطهرین‌النس است. معلوم است وقتی قرار بر این شد که از " موسسات خصوصی موجود " دفاع شود، باهر نبی که این دفاع صورت گیرد جز ادامه فارتگری و بارگذاشتن دستهای جنایتکاری‌ده " حتی به محرومین دم مرگ هم رحم نمی‌کند " نتیجه دیگری در کار نخواهد بود.

سیاست نظام پزشکی در دوران طاغوت، آزادی عمل " موسسات خصوصی موجود " و اختصاص خدمات پزشکی کشور به اقشار برهمنی بود که در قبال فارت و بهره‌مندی بی‌حساب و کتاب تودمهای پهلونی زحمتکشان شهر و روستا هر روز فریاد می‌شدند. تبعیض و حشتاک و ناپسانمانی‌های موجود در این زمینه سرات شوم چنین سیاست ضد مردمی است. برای اینکه از شر این " ارضه شوم " خلاص شویم، تنها یک راه وجود دارد و آنهم تمرکز امکانات پزشکی و درمانی در بخش دولتی برای خدمت به مناطق محروم و مردم مستضعف است.

مخالفت اکثریت شورای نگهبان با لایحه مزبور در عین حال مخالفت با کنترل امکانات بهداشتی و درمانی برای کسبل به مناطق محروم و دورافتاده است. این مخالفت در حائی صورت می‌گیرد که اصنام خصوصی مگررا " توجه به مناطق محروم " را توصیه می‌کند و خدمت به محرومان و مستضعفان را بزرگترین مساوت‌ها می‌داند. نه سود انقلاب است و نه با عقل مسلم جور درمی‌آید که پزشکان بهیگی با پول وامکاناتی که همه و همه به سمت کار و زحمت طیفه کارگر، دهقانان و سایر زحمتکشان تربیت می‌شوند، بعد از فراغت از تحصیل به انحصار نروینمندان درآیند و وضعیت همین‌طوری باشد که الان هست این وضع باحصار و بیکی ناهادلا به باید تعبیر کند و به نظر ما مخالفت اکثریت شورای نگهبان با موارد مثبت لایحه بهداشت درمان در عمل، مخالفت با تغییر این وضعیت ظالمانه است. همسانگونه که در مورد قانون دولتی‌گردن بازرگانی خارجی شاهد بودیم اکنون نیز می‌توان بروشنی مشاهده کرد که مخالفت با لایحه بهداشت و درمان مخالفت با اصل ۲۹ قانون اساسی است زیرا این اصل، دولت را صراحتاً به تأسیس " خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی " مکلف می‌کند و دولت سببوجه قادر به انجام این تکلیف، بزرگ مردمی نخواهد بود. مگر تمام امکانات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی را در اختیار خود بگیرد. قانون اساسی سببوجه و نه درستی امید ندارد که بخش خصوصی موجود " این امکانات را برای همگان تأمین کند به همین دلیل بخش خصوصی موجود " را به تأسیس این خدمات مکلف نمی‌کند. قانون اساسی، دولت را به تأسیس این خدمات مکلف می‌کند و برای تأمین این خدمات توسط دولت به عنوان گام نخست لزوماً باید امکانات بهداشتی و درمانی موجود در اختیار

دولت فرار گیرد و توسط دولت کمترش داده شود و توسط دولت، به خودمهای
محرور عرضه شود و به این دلیل مخالفت با جنبه‌های تربیت‌مواغانه لایحه
بهداشت و درمان به بهانه " غیرضروری بودن " مخالفت صریح بانس قانون
اساسی است .

روبارویی خطا ، در تمام عرصه‌های حیات سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی
با جدت جریان دارد . تلاش پیروان اصل خط امام برای اجرای قانون اساسی
که اجرای آن بخش مهمی از خواسته‌های رحمتکشان و محرومان را تحقق می‌بخشد
با مقاومت فزاینده جریان مخالف خط امام روبروست . هدف این مقاومت وادار
کردن خط امام به ضعیف‌شدن بز سنگر قانون اساسی است . هدف این است که
توده‌های محروم مردم که امام آنها را ستون انقلاب می‌خواند از انقلاب مایوس
شود و از اطراف خط امام بپراکند گردند . وظیفه ماست که با دفاع پیگیرانه از
سروهای اصل خط امام ، با روشنگری بی‌امون جهت‌گیری مردمی قانون اساسی
در راه اجرای بدون عده آن مبارزه کنیم . در تمام عرصه‌ها روبارویی خطا
را برای توده مردم توضیح دهیم و آنها را به پشتیبانی هرچه بیشتر از خط
مردمی اساسی تشویق و ترغیب نمائیم .

یکی از گرم‌های که به هزار بهانه تنگ و تنگتر می‌شود ساله بازگشایی دانشگاههاست. نیروهای از جمله در ستاد انقلاب فرهنگی این رسالت را بر عهده گرفتند که به هر طریق درهای دانشگاهها را بسته نگاهدارند آنها در هر آستین هزار بهانه و از هزار بهانه فقط یک هدف دارند: دانشگاهها همچنان باید بسته بماند!

اسامع خمیسی رهبر انقلاب، آیت‌الله منتظری، آقای رهنمایی و دیگر مسئولان صریح و پندیده جمهوری اسلامی ایران بارها بر اهمیت گشایی هرچه سریعتر دانشگاهها تاکید کرده و رهنمودهای عملی بهیچ پای مسئولین گذاشتند همین جنیدی پیش آیت‌الله منتظری در دیدار با اعضا ستاد انقلاب فرهنگی تاکید کرد:

در همین حال که باید دانشگاهها بر اساس موازین اسلامی باشد ولی بازگشایی سریع آن هم امری ضروری و لازم است چون اصلاح عدد در عدد رانی شود یک مرتبه تمام دانشگاهها گشایی می‌شود تا اساسی انجام و دانشگاهها هر چه زودتر باز شود. پاسخ این نظامی آیت‌الله منتظری را مهندس عباس طالب معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی مباحثاتی اخیراً بشرح زیر اعلام کرده است:

"متأسفانه از آنجایی که هنوز تا این تاریخ، مواد پاشیده بالا (نمین مسنم مدیریت دانشگاهها، نظام آموزش عالی کشور و برنامه‌های آموزشی) به تصویب ستاد (ستاد انقلاب فرهنگی) نرسیده و یا فرصت تصویب هنوز اعلام نشده است، لذا امکان برگزاری امتحان گزینش دانشجو برای کلیه رشته‌های دانشگاهی با توجه به محدودیت زمانی در سال جاری میسر نیست."

(کجهان ۱۷ شهریور)

مطابق این گفته آقای طالب انقلاب ما پشت در دفتر ستاد انقلاب فرهنگی باید چسبانه بزند و تا سال آینده منتظر ماند چرا؟ چون "ستاد" هنوز ضوابط را تصویب نکرده است!

واقعیت این است که ستاد انقلاب فرهنگی تا این زمان هیچ اقدام عملی در زمینه بازگشایی سریع دانشگاهها انجام نداده است. مروری مختصر بر برخی از اظهارنظرهای مسئولین ستاد انقلاب فرهنگی این واقعیت را آشکار می‌سازد. آقای شریعتداری، عضو برجسته و موثر ستاد انقلاب فرهنگی خیلی راحت چنین می‌گوید:

گنیت تعداد دانشجو و موسسات آموزش عالی کشور نمی‌تواند هدف جمهوری اسلامی باشد... این افراد (دانشجویان) پس از پایان تحصیلات... بازار کار و امکانات می‌خواهند و اگر در آن موقع این نیاز برآورده نشود، این افراد سرخورده و جذب گارهای دیگر، که با تخصص آنان ارتباطی ندارد خواهند شد!

در این جملات مختصر آقای شریعتداری دو ضربه حساب شده وارد می‌کند اولاً به نهایت جمهوری اسلامی ایران و به شکلی ظریف بگشایش آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران را امری فرعی و بی‌اهمیت معرفی می‌کند. ثانیاً گشایش آموزش عالی را منشاء شرع فرعی می‌کند چرا که فارغ‌التحصیلان "بازار کار و امکانات" می‌خواهند و اگر در آن موقع این نیاز برآورده نشود این افراد سرخورده

و... خواهند شد. تو گویی آقای تربیتداری اصلا به این فکر نیست که چندصد هزار دانشجو و محصلین دیپلمهای که می خواهند به دانشگاه راه یابند از اینکه همه درها بروی آنها بسته مانده است سرخورده ... می شوند یا نه ستاد انقلاب فرهنگی از زیاد شدن دانشجو و فارغ التحصیل اظهار نرس و برای مهار آن احساس مسئولیت می کند. اما از اینکه آموزش عالی سراسر کشور تعطیل مانده نه واکنش دارد و نه مسئولیتی احساس می کند!

آقای تربیتداری در جای دیگر می گوید:
" رفع نیاز جامعه از نظر تخصصی در رشته های مختلف موضوعی نیست که بخواهیم همچولانه آن را برطرف کنیم و استاد خلق کرده و دانشجوی زیاد بپذیریم!"

گفته آقای جمیع فر بنساور معاونت امور دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی را هم مرور کنیم وی در گفتگو با روزنامه اطلاعات ۲۲ - شهریور ۶۱ گفته است:

" ما می بینید رئیس جمهور کسی می شود که حداکثر لیسانس دارد یا سوپرست یک سازمان مهم کسی است که مدرک دیپلم دارد بنابراین می بینید که فرهنگ مدرکگرایی در جامعه ما بطور نسبی از بین رفته است اما هنوز هستند کسانی که نتوانستند خودشان را با این تغییرات ارزشی تطبیق دهند ...!" واقعیت این است که صاحبان اینگونه آراء و عقاید حتی اگر نیت اصلی آنها هم شر نباشد، نه تنها محصل دانشگاههای ما را حل نخواهند کرد، بلکه خود قفل در آنها خواهند بود.

هر روز بستماندن دانشگاهها چه از نظر نیازمندی های کشور به نیروهای متخصص متعهد به انقلاب چهار نظر رفع سرگستگی و سرخوردگی هزاران هزار مشتاق تحصیل و چه از نظر درهم شکستن تبلیغات ضدانقلاب زبانهای سنگینی متوجه انقلاب ما میکند امروز نیاز کشور ما به افراد تحصیل کرده ای که در دامان انقلاب پرورش یافته و از نسیم زندگی مار آن بهره بردمانند، یک امر حیاتی است.

بسیاری از مسئولین از جمله وزیر کشاورزی، خود به این امر واقف هستند و در مطالب حرف آقای تربیتداری می گویند:

امکانات ما از نظر دامپزشک محدود است و ما نمی توانیم تعداد زیادی دامپزشک به شهرهای مختلف اعزام کنیم، ما در سطح مملکت باید چهار الی پنج هزار دامپزشک در اختیار داشته باشیم، متأسفانه بیش از ۲۸۰ دامپزشک نداریم

(در مجلس ۱۷ مرداد)
در جلسه علنی روز شنبه ۲ شهریور ماه، وزیر بهداشتی نیز در گزارش خود به مجلس می گوید:

" در گسل، ما نسیس روی پزشکی کم داریم، از دانشکده های پزشکی و دانشکده های که پزشکی عمومی دارند هر سال ۱۲۰۰ نفر و زیدنت گرفته می شود و ماون همین وزیر در مسأله با اطلاعات چهارشنبه ۲ شهریور اعلام می کند برای هر ۱۰۰۰ نفر فقط یک تخت بیمارستانی وجود دارد" او می گوید:

" برای اینکه ما تمام مردم را بتوانیم تحت پوشش قرار دهیم برای هر ۱۰۰۰ نفر به یک پزشک متخصص نیاز داریم، به عبارت دیگر برای ۲۰ میلیون جمعیت ۲۰ هزار نفر پزشک و این زمانی است که هر سال ۴۵۰۰ پزشک (کسی کمتر از ۲ برابر قبل از انقلاب در هر سال) از دانشکده های پزشکی فارغ التحصیل دانسته باشیم، که در اینصورت تازه پس از ۱۲ سال برای هر ۱۰۰۰ نفر یک پزشک خواهیم داشت

رفع این نیازهای صبح کشور در گرز اقدام فاطح برای بازگشایی و توسعه بیشتر دانشگاههای کشور است، بدون شک در برتسوا اقدام نظامی و انقلابی برای بازگشایی دانشگاهها، سوجهی همه بیانهای مخالفین بازگشایی دانشگاهها روشن می گردد و امکانات بزرگ کشور برای کسوف همه جانبه موسسات آموزش عالی شناخته می شوند.

بر اثر ادامه امتناع ستاد انقلاب فرهنگی از بازگشایی دانشگاهها، سرانجام مجلس شورای اسلامی، خود راساً بازگشایی دانشکده های پزشکی را تصویب کرد و مسئولین آموزش عالی را موظف ساخت که در بهمن ماه جاری، اینگونه دانشکده ها بازگشایی شود. این یگانه گامی است که در فاصله دو سال و نیم گذشته نه از جانب ستاد انقلاب فرهنگی، بلکه از جانب اکثریت نمایندگان مجلس، در جهت بازگشایی دانشگاهها برداشته می شود. گامی که برداشتن آن حیاست سرم بیلونها جوان و نیاز حادی انقلاب است.

رفقا و دوستان عزیز!

سال تازمرا با دو شادی بزرگ آغاز می‌کنیم، شادی بهار که طراوت و خرمی آن ما را گرمی و نیرو می‌بخشد تا زنگسارهای کهنه و فرورنده را پرتوان‌تر، از سر و روی زندگی بزدانیم و خود نیز با اندیشه‌های نو و پویانده‌تر تجهیز شویم و با رویش فرخناک طبیعت، پرشورتر از همیشه در خدمت بالندگی انقلاب باشیم.

... و شادی پیروزی‌های رزمندگان ما در جبهه‌های جنگ تحمیلی، که پرشور و حماسه‌آفرین بخش‌های وسیعی از سپهر انقلابی را از لوث وجود تجاوزگران پاک و آزاد ساختند. امریکای جنایتکار را با شکستی دیگر روپرو کرده و برای خلقهای منطقه بشارت‌های تازه‌ای از رزم پرشکوه مردم ما علیه امپریالیسم و ارتجاع به ارمغان آوردند.

تجهیه و تنظیم این بولتن، که مدت‌هاست خواست و نیاز شماست، با چنین شادی‌های بزرگی مقارن است. و این خود برای ما شیرینی این دو شادی را ثورانگیزتر ساخته است.

هدف از انتشار این بولتن کمک به نیروهای سازمان برای تحلیل درست عمده‌ترین مسائل و رویدادهای کشور است. بولتن می‌کوشد که رفقای سازمان را در جریان رویدادها و مسائل سیاسی جاری کشور قرار داده و از این طریق، انسجام سیاسی در سازمان ما را تحکیم بخشد و نیروهای سازمان را در انجام درست‌تر وظایف انقلابی‌شان، در دفاع از دستاوردهای انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی یار و مددگار باشد.

چهل و یکمین سالروز تأسیس حزب توده ایران به‌سازگاری

هفته دوم مهرماه یادآور رویداد تاریخی پراهمیتی در سپهر ماست. ۱۰ مهرماه سالروز تأسیس حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است. با فرارسیدن دهم مهرماه ۱۳۶۱ حزب توده ایران چهل و یک سال از حیات فرازنده خود را پشت سر گذاشت. اکنون خدائمان خلق ایران (اکثریت) ما سرافرازی از تاریخ فرازنده حزب توده ایران سخن می‌گویند. اکنون سالروز تأسیس حزب، در ما خدائمان خلق ایران (اکثریت) شوقی برمی‌انگیزد که عزیز و مقدس است. شوقی که برانگیخته‌نده ایثار و فداکاری‌های عظیم و عظیم‌تر در راه انقلاب، در راه رنج‌کشیدن و در راه طبقه کارگر است. اکنون ما را نیز، گرمی این شوق سرشار می‌سازد. زیرا که تاریخ ما با تاریخ

حزب پیوندی گسست‌ناپذیر ، یافته است . زیرا که راه حزب توده ایران راه
سعادت .

حزب توده ایران با ۴۱ سال مبارزه توفند و پر فرازونشیب در راه کسب
استقلال و آزادی مبین و سه‌روزه زحمتکشان ، سرچشمه حوشان بی‌بدیل و
گرامیای است که آموختما و آموزش‌های بزرگ آن ، آگاهی بخش نسل جوان
کمونیست‌های ایران است . حزب توده ایران مدافع منافع طبقه کارگر و همه
زحمتکشان ایران است زیرا مردم زحمتکش مبین ما را یاری می‌دهد که توطئه‌های
دشمنان سرگردگی امپریالیسم امریکا را درهم شکنند ، دستاوردهای انقلاب را
بازگسست‌ناپذیر سازند و راه پیشرفت اجتماعی کشور و سه‌روزه و سعادت خود را
بشناسند و بهیابند .

صحت ارزیابی‌ها و درستی خط مشی انقلابی حزب توده ایران در کشوری که
میدان عمل یکی از پرنج‌ترین و پیچیده‌ترین انقلابات دوران معاصر است نه
تنها نفی‌سود سیاسی و معنوی حسرت را در میان همه انقلابیون راستین و
مبین دوستان واقعی مبینان برداشته ساخته است ، بلکه بر اعتبار جهانی حزب
توده ایران ، نیز افزوده است .

پشتیبانی بیکر و بدون تزلزل حزب توده ایران از انقلاب و از عسک
ضد امپریالیستی و مردمی اسام خمینی که از جانب دشمنان انقلاب با
گینتوزانترین خصومت‌ها پاسخ داده می‌شود اکنون راه اتحاد بزرگ همه
نیروهای مدافع انقلاب را می‌گشاید . مشی انقلابی حزب توده ایران که مشی
نیرو بیکر و بی‌امان برای پیشبرد همه‌جانبه انقلاب و تکوینی جمهوری اسلامی
ایران در راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی است ، به سلاح نیرومندی
مبدل شده است که باروهای فریب و نیرنگ را می‌شکند . اکنون دیگر اتهامات
ناروا ، سبیل تهمت و افترا و تحریف گینه‌توزانه تاریخ حزب که تحریف بی‌شرمانه
تاریخ مبارزات مردم باست ، سلاح زنگردهای است که هر روز کارآیی خود را
بیشتر از روز قبل از دست می‌دهد . مردم و پیوسته کارگران و زحمتکشان رفته
رفته ، از برای ابر سیاه تهمت و افترا و تحریف حقایق تاریخی "خویشود
دشمنانی" را که بر فراز مبینان ایران ، نور و گرمی می‌پراکند می‌بینند و باور
می‌کنند .

فدائیان خلق ایران (اکثریت) که با ارتقای همکارهای نخبه‌های اتحاد
عمل انقلابی خود با توده‌ای‌ها ، خلاقانه و مجدانه می‌گویند که راه وحدت
همه‌جانبه پشاهنگ طبقه کارگر ایران را سه‌روزه و هموارتر سازند ، در نخستین
سالروز تأسیس حزب توده ایران با پر فروغ‌ترین آرزوهای انقلابی ، مردمی و
مبینی به کمیته مرکزی حزب توده ایران و به همه ارگان‌ها و همه اعضای حزب ،
عالمیت‌ترین شادباش‌های رضیانه خود را ابراز می‌دارند .

اطمینان داریم که رزم مشترک ما در پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی - مردمی
اسام خمینی و دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن ، نیرو عظیم و
شکوهمند با در آزادی و عدالت اجتماعی برای عرومان ، نخستین نمر
پر حلاوت خود را در وحدت همه پیروان امیل سوسیالیسم ملی آشکار خواهد
ساخت . وحدتی که طبقه کارگر ایران را متحد می‌کند ، برای تشکیل جبهه متحد
خلق که امرم نیرومند بازگسست‌ناپذیری انقلاب است ، شالوده استواری فراهم
سسی آورد .

رفقا و دوستان توده‌ای ! رفقا و دوستان فدایی ! چهل و یکمین سالروز
تأسیس حزب توده ایران ، حزب فراز‌ترین طبقه کارگر ایران بر همه ما فرخند
و مبارکباد .

یادآوری می‌کنم که به مناسبت فرارسیدن چهل و یکمین سالگرد تأسیس حزب
توده ایران از سوی کمیته مرکزی سازمان ما ، پیام شکرگویی برای کمیته مرکزی
حزب توده ایران فرستاده شد .

در هفته گذشته رفقا و رویدادهای مهمی در زمینه‌های مختلف رخ داد که مهمترین آنها عبارتند از پیروزی‌های تازه نظامی و آزادسازی بخش دیگری از خاک میهن انقلابیمان از جنگ اشغالگران . مراسم پرشکوهی که به مناسبت ۱۳ آبان روز نسفیر لانه حاسوسی آمریکا . روز دانش‌آموز و روز تبعید امام که در خروش شعار مرگ بر آمریکا در سطح کشور برگزار شد . سخنرانی امام که در آن خطر جنگ جهانی هفتی سوز و لزوم مبارزه خلقهای سراسر جهان برای جلوگیری از آن مطرح گردید ، واقعه استیضای وزیر مسکن و شهرسازی که با رای اعتماد مجلس شورای اسلامی نسبت به او پایان گرفت . سرگزاری سمنار هیئت‌های ۷ نفری واگذاری زمین و نیز سمنار شوراهای اسلامی روستایی و همچنین تصاحبه آقای هرنیدی که رویدادهایی بسیار ضرورت حاد انجام اصلاحات ارضی هستند اعلام رای شورای نگهبان درباره لایحه توزیع عادلانه آب که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود و شورای نگهبان با مهترس مواد آن - موادی که در جهت تأمین عدالت اجتماعی بود مخالفت کرد .

در هفته‌ای که گذشت ، مبارزه بین دو خط ، یعنی بین خط انقلابی که می‌خواهد حرکت انقلاب را در جهت تحقق قانون اساسی ، در جهت تحقق عدالت اجتماعی به سر بردارد مستضعفان و رنجگهان نامین کند با خط جریان راستگرایی مخالف که رهبر پوشش مفسدین است . به دفاع از مالکیت نامحدود و ثروت نامحدود سرمایه‌داران و زمینداران برخاسته است و می‌کوشد قانون اساسی را زیر علامت سؤال بکشد ، با ابراد سخنرانی‌ها و درج مقالات با حدت ادامه یافت .

ما در بولتن این هفته ، سخنی چند درباره هر یک از رویدادهای مهم هفته که در بالا برشمردیم خواهیم گفت و نیز نوحه بیشتر رفقا را به مبارزه بین خط انقلابی و خط راستگرایی مخالف با ذکر نمونه‌هایی از موانع گمبوی‌های هر دو خط ، جلب خواهیم کرد تا رفقا پیش از پیش برای تقویت خط انقلابی ، خط امام ، خط قانون اساسی و در امشای جریان راستگرایی مخالف کوشش کنند .

در پایان دوسم سالگرد هفته جنگ ، در آغاز سومین سال جنگ تحمیلی ،
خاطره ۲ رفیق شهید دیگر را که در حبه دفاع از صهن و انقلاب در نبرد با
تجاوزگران صدامی به شهادت رسیدند ، گرمای می‌داریم .
« رفیق شهید محمد سلیمانی که در تاریخ ۱۸ مرداد ماه ۶۱ در جریان دفع
حمله تجاوزگران صدامی در حراتی غلبه به کاروان شهدا پیوست . پیکر پاک
او را مردم زحمتکش ننده با شکوه فراوان تشییع کردند . مردم که تابوت لورا
بر سر دست می‌بردند ، فریاد می‌زدند " این گل پرپر ماست ، غصنی رهبر
ماست " سرگ بر آمریکا

« رفیق شهید ایرج رحیم‌زاده بالاجبی که در جریان فتح خرمشهر فدائاری‌های
او بر سر زبان‌ها و الهام‌بخش ایثار و فدائاری افزونتر همسران در دفع
تجاوز بود . در تاریخ ۲۲ تیرماه ۶۱ در حبه غلبه با قهرمانی شهید شد .
توصیف رزمندگان همسر او گویاست: " ایرج برای ما معلم بود و چراغ امید " .
« رفیق شهید حبیب‌الله حسن‌زاده که در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۵۹ در
حبه بازی‌دراز ، بر اثر اصابت ترکش سیاره به ناحیه مر شهید شد . در
خانواده بسیار فقیر و زحمتکش پرورده شده بود و از اهالی روستای (آله)
تنگابن بود باد او در قلوب مردم زحمتکش روستایی و همه آسانی که او را
می‌شناختند به عنوان یک مدافع پیگیر منافع زحمتکشان و رهروشنکی‌ناپذیر
راه زحمتکشان همیشه ماندنی است

« رفیق شهید محمدهادوی در ۱۹ مرداد ۶۱ در نبرد با ضدانقلاب در
کردستان به شهادت رسید او که در دفاع از جمهوری اسلامی در کنار سائزان
پیرو خط امام خمینی با ضدانقلاب داخلی سرکردگی آمریکا در حبه
کردستان رزمید و قهرمانانه شهید شد . پس از شهادت نیز از تبعام گینه‌نیزانه
و بربرستانه ضدانقلاب داخلی در امان نماند .

مراسم تدفین و بزرگداشت او توسط دستجات ضدانقلابی که در پوشش
حزب‌الله عمل می‌کردند ، در حالیکه از همراهی دوستان تا آناه انقلاب نیز
برخوردار بودند ، برهم زده شد . مردم محل با تحلیل از حبه و خانواده او
به اعمال جنایتکارانه ضدانقلاب پاسخ دادند و انزجار خود را نسبت به
ضدانقلابیون اعلام کردند .

رفقا و دوستان عزیز ا

اکنون شمار شهدای سازمان در جنگ تحمیلی به ۱۲۵ تن رسیده است با اینکه
این شمار دربرگیرنده همه رفقای نیست که در دفاع از صهن و انقلاب در نبرد
با تجاوزگران صدامی به شهادت رسیدماند با اینجه نشانه نقش بسیار بزرگ و
با اهمیت سازمان ما در مقابله با توطئه‌هایی است که از سوی دشمنان انقلاب و
در رأس آن امریکای جنایتکار برای برانوردن انقلاب بزرگ مردم ما سازمان
می‌یابند .

در دوسم سالگرد هفته جنگ که هفته مرگ بر آمریکا بود ، مردم در مراسم
صهن انقلابی ، خاطره فدائاری‌ها و قهرمانی‌های رزمندگان صهنها را گرمای
داشتند از شهدای جنگ تحلیل‌بمل آوردند ، و نفرت عظیم خود را از جنگ ،
از سبب اصلی آن امریکای جنایتکار از عامل امریکایی آن صدام ، با مرود مرگ
بر آمریکا فریاد زدند . پادرفقای شهیدمان در قلوب تودمهای دهها میلیون
مردم ما گرمای است این پیوند استوار ما فدائیان خلق ایران (اکثریت) با
توده مردم ، افتخار بزرگ ما و خودبزرگترین دلیل درستی و حقیقت‌مندی اصولی
سازمان در دفاع از انقلاب و مردم است .

شور و توفانی که در هفته سالگرد جنگ برای سازندگی ، تریه و آبادانی
خرابی‌های جنگ تودمهای دهها میلیون مردم ما بروز دادند ، نشانه باریز
این حقیقت است که توده مردم بر خطر توطئه امریکایی طولانی‌دین و فرماشی
کردن جنگ که برای فرسایش نیروهای انقلاب تدارک دیده شده است ، وقوف
دارند این آگاهی مردم ، بزرگترین ضامن مقابله پیروزنده انقلاب با توطئه
خطرناک امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه است . این افتخار است که در این
مرحله نیز مسئولیت انقلابی و وظیفه مردمی خود را بدرستی بازشناختیم و
صادقانه بدان عمل کردیم .

رفقا ، خاطره شهدای جنگ تحمیلی را گرمای می‌داریم ، در حودها به
احترامشان بهاچیزیم و مرود آنان را که مرود همه انقلابیون ، استین و حامی
مردم ماست با حروش تازه آواز دهیم :

در اسرائیل بحرانی که با آغاز تجاوز امریکایی - صهیونیستی به لبنان و به گسترش نهاد اکنون اوج کاملاً بی‌سابقه‌ای یافته است. گسترش شتابان مخالفت مردم با صهیونیست‌های حاکم، حلقه عمده رویدادهای داخلی اسرائیل است که ارگان رژیم حاکم را به لرزه می‌اندازد. تظاهرات نیم ملیونی مردم در شهر یگ سلونی تل‌آویو که شنبه هفته پیش انجام شد، نه تنها بزرگترین تظاهراتی است که در تاریخ اسرائیل علیه حکومت صورت گرفته است بلکه یکی از بزرگترین تظاهرات در سراسر جهان علیه تجاوز امریکایی - صهیونیستی به لبنان و کشتار فلسطینیان در اردوگاه‌های صبرا و شبلا بوده است. در تظاهرات روز شنبه تل‌آویو تقریباً همه ساکنین بالغ شهر سوای افراد سالخورده زمین‌گیر به خیابان‌ها ریختند و خواستار استعفا فوری مگین و خارون شدند. مردم با ابرار انزجار از اقدامات تجاوزکارانه صهیونیست‌ها خواستار رسیدگی فوری برای معرفی و مجازات مسبب قتل‌عام در اردوگاه‌های صبرا و شبلا شدند.

تظاهرات روز شنبه در تل‌آویو نمونه است اعتراضاتی است که در سراسر اسرائیل ملاحظه می‌شود. این صهیونیست صورت گرفته است این اعتراضات حتی در مطبوعه‌ترین پایگاهها و تکیه‌گاههای رژیم صهیونیست از جمله در ارتش سرحد توسعه می‌یابد این اعتراضها چنان شدنی دارد که حتی رادیو بی بی سی یعنی صدای امریکاییسم و صهیونیسم طی گفتاری در یکشنبه چهارم مه‌ماه، منبوعه می‌شود اعتراف کند که "تظاهرات مسلح نیز انتقادات شدیدانجام دادند و گفته می‌شود تعدادی از فرماندهان در جلسه‌ای که روز جمعه ترتیب داده بودند خواستار اخراج شارون از کابینه شدند".

اعتراضی و اعتراض گسترده مردم اسرائیل علیه جانباختن صهیونیست و بحرانی که رژیم صهیونیست را فراگرفته است در رویدادهای آینده مجموع منطقه می‌تواند تاثرات مهمی بر جای بگذارد که بررسی آن از حیث مختلف اهمیت می‌یابد. دستگاههای تبلیغاتی امریکاییستی - صهیونیستی همواره تلاش کرده و می‌کنند که صهیونیسم را به عنوان "ایدئولوژی رسمی" و "آئین جاودانه تمام یهودیان" معرفی کنند. آنها می‌گویند اینطور وانمود کنند که هرکس اسرائیلی است، صهیونیست و نژادپرست است اما این تبلیغات نه واقعیت دارند و نه می‌توانند واقعیت را پنهان سازند. البته در طول تاریخ اسرائیل زحمتکشان زیادی‌بازهر صهیونیسم مسموم شده‌اند، اما واقعیت این است که میان خواستار زحمتکشان اسرائیل با صهیونیسم که از منافع امریکاییست‌ها، کلان سرمایه‌داران، بزرگ مالکان، نژادپرستان و جنگ‌افروزان دفاع می‌کنند، تضاد آشفتنی‌ناپذیری برقرار است. بلوک "لیکود" که اکنون جناح راست آن بر اسرائیل حاکم است و پرچم صهیونیسم را می‌شواید برافراشته نگهدارد نماینده همین انحصارگران، بهره‌مکنان و جباران است "لیکود" بلوکی است که دشمنان زحمتکشان اسرائیل و مردم فلسطین و ملل منطقه در آن جمع شده‌اند برخی از اعضا تشکیل‌دهنده "لیکود" مثل حزب "تیمسا" آشکارا اعلام کرده‌اند که فاشیست هستند آنها اعلام کرده‌اند که هدف نهایی‌شان "ایجاد یک اسرائیل بزرگ‌زنانیست تا فاشیست" همه این دار و دسته‌ها با تبلیغات صهیونیستی، فاشیستی، ضد کمونیستی و ضد عربی می‌گویند مردم اسرائیل را محکوم کنند آنها را بفریبند و با خود هم‌آوا و همراه سازند آنها می‌گویند چنین وانمود کنند که زحمتکشان اسرائیل نیز در هدفهای توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه آنها ذینفع‌اند. آنها با بهره‌گیری از ناآگاهی مردم و با ایجاد وهم و نگرانی در میان آنها در گذشته توانستند بخش قابل ملاحظه‌ای از یهودیان اسرائیل را به زهر صهیونیسم، کمونیسم‌ستیزی و عرب‌ستیزی آلوده کنند. اما هر روز که می‌گذرد مردم اسرائیل بیشتر و بیشتر به ماهیت آنها پی می‌برند و خود را از چنگ تبلیغات زهرآگین آنان آزاد می‌سازند. در رأس نیرو مردمی علیه صهیونیسم و فاشیسم، حزب کمونیست اسرائیل قرار دارد. این حزب که در شرایطی بسیار سخت ساززه می‌کند در همه تجاوزات رژیم صهیونیست علیه اعراب، شامانه همدا و هم‌جنبه با مردم عرب علیه تجاوزگران صهیونیست ساززه می‌کند. این حزب علیه سلطه صهیونیست‌ها، علیه نژادپرستی، علیه تبعیض، علیه تجاوز و در دفاع از حقوق مردم فلسطین برای تشکیل یک کشور مستقل آزاد سواره و پیگیر ساززه می‌کند. ۱۲٪ از جمعیت اسرائیل‌عرب هستند آنها شدیداً زیر فشار و مورد انواع تبعیضها قرار دارند. حزب کمونیست اسرائیل در دفاع از حقوق این مردم از جمله مقابله با سیاست تحقیر و توهین به عناصر مذهبی مردم عرب، که وسیعاً از سوی صهیونیست‌ها اعمال می‌شود، حتی با پول امضاء خود برای آنها مسجد می‌سازد. "مسجد السلام" که توسط حزب کمونیست اسرائیل در شهر نظارت ساخته شده و به سلطانان عرب ساکن اسرائیل هدیه شد، نشانهای شورانگیز از همدلی و برادری مردم در برابر جانباختن صهیونیست و امریکاییست است. قطع بی‌رحمی نسبت به زیارتگاههای مسلمان "هدنی" است که حزب کمونیست اسرائیل و اعراب ساکن اسرائیل مشترکاً از آن دفاع می‌کنند. در اسرائیل علاوه بر حزب کمونیست، گروهها و سازمانهای دموکرات و مردمی دیگری نیز هستند که فعالانه علیه صهیونیست‌ها مبارزه می‌کنند. به ابتکار حزب کمونیست، احزاب و سازمانهای انقلابی و مردمی در جنبه واحدی بنام "جبهه دموکراتیک برای صلح و برابری" متحد شده‌اند. این جبهه فعالانه علیه صهیونیسم و علیه تبلیغات و اقدامات

امریالیستی - صهیونیستی چه در حال مردم اسرائیل و چه در حال مردم فلسطین مبارزه می کنند .

بزرگی های جنبش اعتراضی کنونی مردم در اسرائیل ؛ جنبش اعتراضی کنونی در اسرائیل بزرگی های دارد که با توجه جدی به آنها مردمان تاثیر این جنبش را در مجموع رویدادها ارزیابی کرد ؛ این جنبش اعتراضی ، جنبشی سیاسی است که مستقیماً علیه سیاستهای تجاوزگرانه رژیم صهیونیست حاکم مست گرفته است . مبارزه مردم به خاطر مطالبات اقتصادی و حقوق اجتماعی ، همیشه در اسرائیل جریان داشته است . اما مبارزه سیاسی علیه حاکم صهیونیست و بر ضد سیاستهای تجاوزگرانه و جنایتکارانه صهیونیستها با این اتحاد مردمی و برابری در تاریخ اسرائیل بگلی به سابقه است و بدون شک نه آمریکا و نه صهیونیستها حتی تصور آن را هم نمی کردند . جنبش اعتراضی کنونی مستقیماً علیه تجاوز رژیم صهیونیستی به سرزمینهای اعراب و علیه گسترش مردم فلسطین و پایمال کردن حقوق آنان است . بنابراین مستگیری مستقیم اعتراضات مردم اسرائیل علیه امپریالیسم و صهیونیسم و در خدمت حل عادلانه مسائل ظور نزدیک ، پایان دادن به تجاوزات رژیم صهیونیستی و تأمین حقوق ملل عرب و مردم فلسطین است . مردم اسرائیل با اعتراضات گسترده خود دست به سیاستهای رژیم صهیونیستی نشان می دهند که منافع آنها با منافع امپریالیسم و صهیونیسم متضاد است و منافع واقعی آنان تنها از طریق صلح و برابری با ملل عرب تأمین می شود .

جنبش اعتراضی کنونی در اسرائیل ، جنبشی صلح خواهانه است و خواستار پایان دادن فوری به جنگ و به ملیتاریزم است . در شرایطی که امپریالیسم و صهیونیسم همه سیاستهای خود را بر پایه زور و تجاوز و جنگ افروزی بنا نهادند . مبارزه گسترده مردم اسرائیل علیه جنگ و به خاطر صلح دائمی مدی در راه اجرای سیاستهای امپریالیسم و صهیونیسم سرکردگی امریکاست مردم اسرائیل بجای پیش زندگی و منافع خود را مورد تهدید جنگ افروزیهای رژیم صهیونیست می بینند آنها بطور فزایندهای نسبت به جنگهای تحسلی رژیم صهیونیست علیه ملل عرب متنگران می شوند و خواهان حل بحران و برقراری صلح فوری و زندگی در شرایط صلح آمیز هستند .

دائمه اعتراضات کنونی ، که از قلب تل آویو تا اقصی نقاط جهان امتداد می یابد ، رژیم صهیونیستی اسرائیل را در بحران بیسابقه ای فرو برده است . متردگی این مخالفتها و اعتراضات ، صهیونیستهای حاکم را در برابر برویی فرار می دهد که علیرغم توسل به تحسین و سرکوب و ترور ، سرانجام در ایران درهم شکسته خواهد شد .

پارلمان آلمان فدرال به تقاضای " کپل " رهبر حزب دموکرات مسیحی که اخیراً با حزب دموکرات آزاد ائتلاف کرد روز جمعه تشکیل جلسه داد و با اکثریت آراء " حکومت اجماعت " را برکنار و " کپل " را به عنوان صدراعظم جدید کشور برگزید. پیش از این رویداد " هانس-پتریش گتسو " رهبر حزب دموکرات آزاد و وزیر خارجه آلمان فدرال با این دلیل که حزب سوسیال دموکرات با کاهش بوجه خدمات اجتماعی موافق نیست از پست خود کناره گیری کرد. و تقابل حزب راستگرایش را برای گسستن ائتلاف با سوسیال دموکراتها و اتحاد با حزب راستگرای دموکرات مسیحی برای ناقص کردن سوسیال دموکراتها اعلام کرد.

آنچه که اکنون آلمان با آن روبروست، جلوه‌ای از بحران عمومی سرمایه‌داری معاصر است که در هرگام با شتاب و سرعت بیشتری تشدید می‌شود. آثار بیگاری در آلمان همانند دیگر کشورهای امپریالیستی دائماً رو به افزایش است، موسسات مختلف تولیدی ورشکست می‌شوند و زندگی مردم، سخت و دشوارتر می‌شود. تغییرات در حیات حاکمه آلمان در شرایطی رخ می‌دهد که:

جنسیت سطح در آلمان علیه ارتعاشی‌ترین و جنگ‌طلبترین محافل امپریالیستی و سیاست‌های جنگ‌افروزان دولت ریگان و همدستان آلمانی روی اتحاد کم‌نظیری پیدا کرده است. اعتصابات کارگری گمنام‌های آن فراوان است اکنون یک واقعیت‌سازی است که سر صعودی دارد خودمطای زحمتکش در آلمان و دیگر کشورهای امپریالیستی در برابر فشارهای اقتصادی و اجتماعی که آنها را به بیگاری و فقر تهدید می‌کند طالب آنند که حقوق اجتماعی‌شان تامین گردد و تضمین‌های مطلوبی برای " زندگی بهتر " بوجود آید. در چنین شرایطی ائتلاف راست و حزب دموکرات مسیحی برای مقابله با خواسته عمومی مردم آلمان و مردم جهان بطور اعم به تشدید سیاست‌های جنگ‌طلبانه و ملیت‌پرستی که مستقیماً به پنهان کردن بودجه خدمات اجتماعی تمام می‌شود، روی آورده است. سیاست‌هایی که پیش از پیش مورد تأیید و پشتیبانی ارتعاشی‌ترین محافل امپریالیستی آلمان است. نتیجه طبیعی چنین وضعیتی تشدید تضاد میان مردم و دولت تازه و عمیق‌تر شدن بحران همزمانی‌های است که کشور را فراگرفته است. آلمان مثل سایر کشورهای امپریالیستی با بحران سختی روبروست که مدام عمیق‌تر می‌شود.

ائتلاف راست به بهای بیگاری و فقر بیشتر کارگران و زحمتکشان آلمانی، انواع " رامسل " های خود را که متکی بر جنگ‌افروزی و ماجراجویی‌های نظامی است، به عنوان درمان بحران معرفی می‌کند، درحالی‌که بحران موجود در آلمان و دیگر کشورهای امپریالیستی که تمام حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای امپریالیستی را فراگرفته است، خود محصول بوجدیت و مملکت‌دین محافل و گروه‌های امپریالیستی است که کپل‌ها و ریگان‌ها نماینده آن هستند. بنابراین روی کار آمدن ائتلاف دست‌راستی در آلمان نه تنها قادر نیست بحران موجود آلمان را درمان کند، بلکه فقط آن را عمیق‌تر و

فزاینده تر می‌سازد و نودهای وسیع تری را علیه خود بسیج می‌کند.

رای دهندگان آلمانی در انتخابات منطقه‌ای مسیحی جنوبی از این رویارویی را به ناپسندیدگی گذاردند. نتایج این انتخابات حاکی از بی‌اعتنایی فزاینده نوده مردم آلمان نسبت به این مسائل است. این بی‌اعتنایی مسلماً آستان جنبش اعتراضی برداشته علیه ائتلاف راست حاکم خواهد بود. در این انتخابات حزب دمکرات آزاد با ۳/۱ درصد آرا حتی نتوانست یک کرسی برای نمایندگی پارلمان در این ایالت بدست آورد. در آلمان قانونی وجود دارد که به موجب آن هر حزب تنها زمانی می‌تواند نماینده به پارلمان اعزام دارد که در مجموع بیش از ۵ درصد آرا را به خود اختصاص دهد. این قانون به‌ویژه به منظور محروم کردن کمونیست‌ها از شرکت در پارلمان وضع شد. به این ترتیب آنها طیفی کم داشتن کاندیداهایی که در برخی مناطق اکثریت مطلق آرا را داشتند نمی‌توانستند به پارلمان راه یابند.

در این انتخابات آرای دمکرات‌های مسیحی نسبت به دوره قبل کاهش یافت. آنها با ۲۵ درصد آرا نتوانستند اکثریت مطلق را بدست آورند و این درحالی بود که سوسال دمکرات‌ها ۲۲/۳ درصد آرا را بدست آوردند.

برخلاف تبلیغات وسیع و برهمنامی ارتعاشی‌ترین مسائل انحصاری مردم آلمان آگاهی بیشتری از اهداف این مسائل بدست می‌آورند و حاضر نمی‌شوند سرنوشت خود را به دست آنها بیاورند. رشد این آگاهی در نزد کارگران و نوده مردم آلمان تا به آن اندازه است که رهبری احزاب سوسال دمکرات نیز به خاطر افتخار سیاست‌های راست‌یروانه تحت فشار قرار دارند. بطوری‌که جناح‌بندی در درون آنها دائماً تشدید می‌شود و جناح‌هایی از آن را به اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه‌تری ترغیب می‌کند. حزب کارگر انگلیس تنها یک نمونه است، در نشست اخیر حزب کارگر انگلیس فطانت‌های به‌تمسب رسید که چنانچه حزب کارگر بقدت برسد تمامی تبلیغات‌های انگلیس‌رانا بود کند و پایگاه‌هایی امریکایی در این کشور را سرچیند.

آنچه اکنون آشکار است، این است که بحران عمومی امپریالیسم عمیق‌تر می‌شود. و برخلاف تمایل و خواست "ائتلاف راست" "اصول‌های آنها" قادر نیست جلوی روند ناگزیر فزاینده نظام امپریالیستی را بگیرد. حاکمیت مسائل راست افراطی هر روز با شکست و بریست عمیق‌تری روبرو است. "ائتلاف راست" آلمان که اکنون زمام امور را در دست گرفته است سرنوشت گریزناپذیری جز این ندارد. تحریر "ریگان" خود گواه است با اطمینان می‌توان گفت شبه‌آستان طوفان است.